

رسالة

ائینه شاهى

نکاشته:

محمد بن المرتضى

مشهور

بمولى محسن فيض

كاشانى

پرو نوشت آقاى على اكبر قويم

تهران

۱۳۳۸

هجری شمسی

قدمه الطبع

بقلم
آقای : ع . قویم (قویم الدوله)

فیض کاشانی

محمد بن الشاه مرتضی بن الشاه محمود کاشانی، مشهور بملا محسن فیض، عالمی عامل و حکیمی متألّه و در معارف اسلامی و علوم صوری و معنوی اکمل و افضل متأخرین از علمای ایران بوده است. در تفسیر کتاب عزیز و احادیث مأثورّه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام و در فقه شیعه و حکمت و کلام و عرفان ید طولی داشته.

فیض در روزگار جهاننداری و کشورگشایی شاعباس کبیر، در حدود سال یک هزار و هفت هجری قمری در شهر کاشان زاده، همشیره زاده «ضیاءالدین نورای کاشانی» مصاهر شاه عباس دوم بوده است. پدرش «شاه مرتضی» از دانشمندان نامی بشمار میآمده و کتابخانه جامعی داشته است.

فیض در علم حدیث شاگرد سید ماجد بحرانی بوده و در حکمت تلمیذ صدر المتألهین شیرازی. پس از فرا گرفتن مقدمات علوم در کاشان و اسپهان برای استفادة از افادات عالیّه آن حکیم نامی و اساتید دیگر بخطّه پارس رفته و سالها در شهر شیراز علین طراز زیسته و بشرف مصاهر صدر المتألهین نائل آمده است. ملاصدرا در ممانت فکر و تحقیق و ابتکار تالی غیث الریس ابوعلی حسین بن سینا بوده.

فیض نزدیک سد کتاب و رساله سودمند نگاشته و در بیشتر تألیفات و تصنیفاتش علوم عقلیه و نقلیه را مزج کرده است. در پایانهای روزگار زندگانی بر از سعی و عملش فهرست جامعی از مؤلفات و مصنفات خود بایبان مقاصد هر یک از آن کتب و رساله نوشته. فیض دو کتاب تفسیر دارد یکی بنام «صافی» و دیگری بنام «اصغر»، دو کتاب هم در حدیث یکی «وافی» و دیگری «مفاتیح الشرائع». فیض در کتاب وافی که چهارده مجلد است همه احادیث و اخبار کتب اربعه - کافی و من لایحضره الفقیه و تهذیب

واستنبصار - را که مدار مذهب شیعه امامیه بر آنهاست و در نهایت تهذیب و جزالت و حسن ترتیب فراهم آورده است و با کمال مذاقه مشکلات احادیث را بیان کرده .

فیض کتابهایی هم در اخلاق و هوا عطا و حکم دارد: المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء، علم الیقین، حق الیقین، حقائق - المحجة البيضاء که در چهار مجلد است بمقیده مؤلف تهذیب و تنویر است از کتاب احیاء علوم الدین حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد الغزالی الطوسی رضوان الله علیه ، یعنی منظور فیض تجرید احیاء علوم الدین امام غزالی از بدع و اهواء بوده و خواسته است که مطالب سودمندش را با اخبار ائمه اهل بیت و بزرگان علمای شیعه تأیید کند - ولی بمقیده من غزالی از بزرگان ائمه مسلمین و اعلام دین است خواه سنی باشد خواه شیعه ، واحیا جامعترین کتاب اخلاق دینی .

رسالة کلمات مکتونه فیض فی علوم اهل المعرفة و اقوالهم ، رساله کلمات طریقه اوفی ذکر منشأ اختلاف الامة المرحومه شایان استفاده است . نوا در حدیثهایی که در کتابهای چهار گانه نیامده است .

فیض هشتاد و چهار سال زیسته ، شهرت علمی او در دوران تاجداری شاه عباس دوم بالا گرفته و مظهر اعزاز آن شاهنشاه دانش دوست کار آگاه بوده است . - بیست و پنج سال روز کار سلطنت شاه عباس دوم عصر زرین سر بلندی ایران بود و دوران مجد و عظمت و سعادت ایران بوده است: شاهنشاه جوان و دلیر و سخی طبع و عالی همت بود ، غربا را دوست میداشته ، علم و صنعت را تشویق میکرد ، در عهد او معاهده صلح ایران و عثمانی بقوت خود باقی ماند ، کشور آباد و دولت قوی بود ، ملت مرفه ، سفرای تاجداران دول معظمه اروپا و آسیا در دربارش کوه اسپهان آمد و شد داشتند ، همسایگان مقتدر ایران (امپراطور مقل هندوستان ، سلطان عثمانی ، پادشاه ترکستان ، دوک مسکو) از تاجدار عظیم الشان سفوی اندیشه میکردند ، و نظر بر عایتی که نسبت باتباع بیگانه میشد بازرگانان و جهانگردان بسیار در پایتخت و شهرها و بندرگاههای ایران گرد آمده بودند ، بازار تجارت و داد و ستد رونقی بسزا داشت .

فیض در روزگار پادشاهی شاه سلیمان ، بسال یک هزار و نود و یک هجری در کاشان در گذشته ، کالبدش در ظاهر آن شهر بخاک سپرده شد . - آرامگاهش مزار است .

سفر شیراز، وصفای کنار آب رکن آباد و گلکشت مصلحت در فیض تمایل بشمر
گفتن ایجاد کرده گاهگاهی قطعه و غزلی میسروده است.
(بنده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت کنار آب رکن آباد و گلکشت مصلی را)
دیوان فیض را رضاقلی خان هدایت بالغ بر شش هفت هزار بیت تشخیص داده
ولی نسخه می که در چند سال پیش از اشعار او در تهران چاپ کرده اند چندان نیست .

نمونه های از اشعار فیض :

به زسد سال نماز است بیایان بردن	ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی
به زسد حج قبول است بدیوان بردن	بک طواف سر کوی ولی حق کردن
به زسد ناقه حمر است بقریان بردن	تا توانی ز کسی بار گرانی برهان
به ز صوم رمضان است بشعبان بردن	یک گرسنه بطعامی بنوازی روزی
به ز شب خیزی و شبایش زیاران بردن	دست افتاده بگیری ز زمین بر خیزد
طاعتش را ندهی تن نتوان جان بردن	خواهی از جان سلامت ببری تن درده
از خداوند اشارت ز تو فرمان بردن	سر تسلیم بنه هر چه بگوید بشنو

آنکه مست جانان نیست عارف ار بود عام است هر که نیستش ذوقی شعله گر بود خام است
هرزه گردد اسکندر در میان تاریکی آب زندگی باده است چشمه خضر جام است

بهوش باش که حرفی نگفتنی نبهد نه هر سخن که بخاطر رسد توان گفتن
یکی زبان و دو گوش است اهل معنی را اشارتی یکی گفتن و دو بشنفتن

ای آنکه گمان کنی که داری همه چیز اینک روی از جهان گذاری همه چیز
با بی باقی اگر زمانی گذری داری همه چیز اگر نداری همه چیز

با من بودی منت نمیدانستم با من بودی منت نمیدانستم